

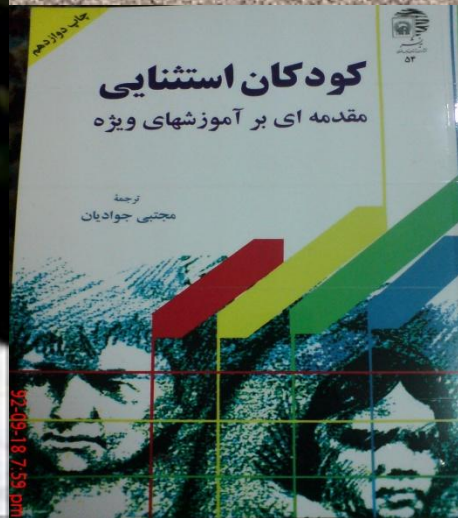
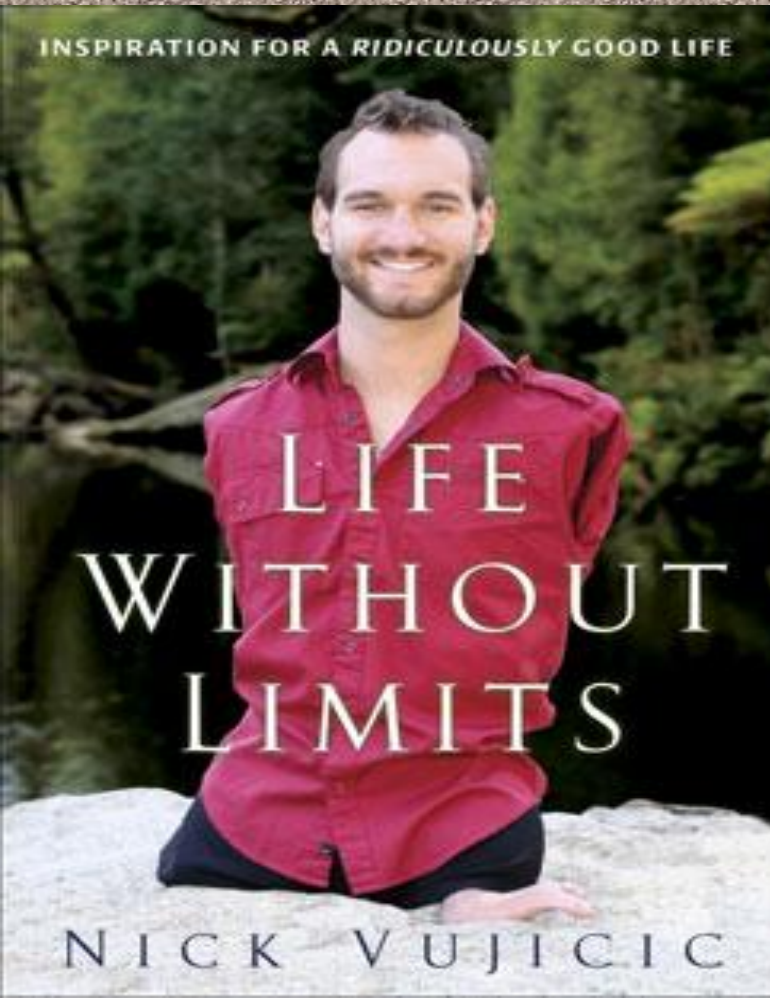
# بنام خداوند علت و معلول

درس کودکان استثنایی

موضوع کنفرانس : معلولیت جسمی حرکتی

استاد ارجمند : آقای دکتر محمد نریمانی

دانشجو : محمد نظری





92-04-14 7:05 am



کد ده رقمی  
۱۳۱۴۱۰۰۱۹۵

جمهوری اسلامی ایران  
سازمان بهرینستی کشور

نام و نام خانوادگی: محمد نظری گندشمین

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

شدت معلولیت: خیلی شدید ۹۶٪

استان: اردبیل

مدیر کل بهزیستی  
دکتر بهزاد داوودنیا

09-07-07 09:56



کد ده رقمی  
۱۳۱۴۱۰۰۱۹۵

سازمان بهرینستی کشور

نام و نام خانوادگی: محمد نظری گندشمین

نوع معلولیت: جسمی حرکتی

شدت معلولیت: خیلی شدید

استان: اردبیل

مدیر کل بهزیستی استان  
رویا احمدیان

کارت بدون هوکرام فاقد اعتبار است

دفتر انجمن معلولین جسمی و حرکتی

استان اردبیل

محمد نظری گندشمین  
تأسیس ۱۳۸۰



# مقدمه

معلولیت پدیده ای است جهانی که همیشه و همه جا مطرح بوده و می باشد اما در جوامع مختلف از نظر شدت ، نوع و نحوه مقابله و برخورد با آن ، شرایط متفاوتی داشته است ( محسنی ، 1357 : 5 ) آنچه مسلم است این که ناتوانی و معلولیت حقیقی در کلیه جوامع و در طول تاریخ اجتناب ناپذیر بوده است . عواملی مانند جنگ ، تکنولوژی ، رشد روز افزون جمعیت ، عدم رعایت بهداشت ، فقدان آموزش و پیشگیری و .. موجب شده اند که تعداد معلولین در جهان افزایش یابد به طوری که این معضل اجتماعی به عنوان یکی از مسایل پیچیده و مهمی در آمده است که جوامع با آن مواجه هستند . بر طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی 10 درصد جمعیت جهان را معلولین جسمی ، ذهنی ، روانی و اجتماعی تشکیل می دهند ( اسدی : 1378 ، 38 ) . و بر اساس تحقیقات انجام شده در کشور ، حدود 2 میلیون و 700 هزار نفر دچار انواع معلولیت ها هستند ( مهدوی ، 1383 ) .

با این وجود، پیشرفت های پزشکی ، اجتماعی و اقتصادی جوامع نه تنها از میزان بروز معلولیت کم نکرده ات بلکه با به وجود آمدن امکان درمان بیماران با مراقبت های خاص و ویژه ، جمع بیشتری از معلولین امکان بقا و ادامه زندگی را به همراه بسیاری از ناتوانی ها پیدا کرده اند. بدیهی است در این میان خانواده به عنوان محل زندگی فرد دارای معلولیت نقش حیاتی و حساسی بر عهده دارد .

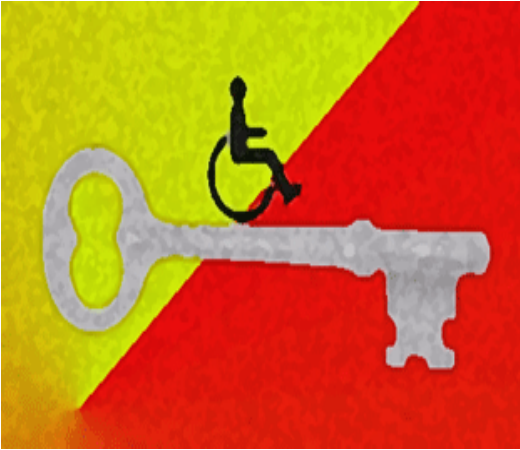
بنابر این اولین مواجهها با معلولیت در خانواده صورت می پذیرد. چه هنگامی که والدین معمولاً منتظر کودکی زیبا ، سالم و با استعداد هستند و با کودکی دچار ناتوانی و معلولیت روبرو می شوند و چه هنگامی که به دلایل اکتسابی همچون بیماری یا حوادث ، فرد دچار معلولیت می شود. واکنش های متفاوت والدین و اعضای خانواده یکی از تعیین کننده های اصلی در وضعیت فرد برای آینده خواهد بود.

بدیهی است پیامد های حضور فرد معلول در خانواده از جنبه های مختلفی مانند عاطفه اجتماعی و اقتصادی قابل بررسی می باشد. انکار واقعیت ، عدم پذیرش معلولیت فرد ، خشم و پرخاشگری ، افسردگی ، احساس گناه و فدا شدن زندگی و آمال و آرزوها ، اختلال در روابط زناشویی ، ترحم و دلسوزی ، شرمساری و خجالت و .. از جمله مهمترین تاثیرات عاطفی بر روی والدین و اعضای خانواده می باشد .



از سوی دیگر بواسطه حضور فرد معلول در خانواده، ارتباطات اجتماعی، خانوادگی، حضور در جلسات و میهمانی ها، رابطه با اعضای فامیل و دوستان و فعالیت های اجتماعی خانواده ها دچار اختلال جدی می شود. همچنین مراقبتهای پزشکی، درمانی و توان بخشی از فرد معلول، هزینه های رفت و آمد به مراکز درمانی و توان بخشی، هزینه های دسترسی به امکانات خانگی و شهری و نیز وسایل کمک توان بخشی مورد نیاز به طور جدی بر هزینه های اقتصادی خانواده تأثیر گذار می باشد.

با توجه به این که انسان اصالتاً موجودی اجتماعی است و نیازها و استعدادهایش فقط از طریق تعامل و ارتباطات اجتماعی می تواند ارضا شود و فعلیت یابد و با عنایت به این که فرد معلول نیز بدلیل ناتوانی، یا کم توانی در برقراری ارتباطات اجتماعی نمی تواند مانند افراد سالم، عمل نماید. لذا ضرورت دارد به پیامدهای اجتماعی معلولیت توجه بیشتری گردد تا با شناخت و آگاهی بهتر نسبت به این پیامدها، بتوان به رفع یا کاهش موانع ارتباط اجتماعی افراد معلول با سایر افراد نائل آمد. چرا که یک فرد معلول، تنها قربانی نقص فیزیکی خودش نیست بلکه بسیاری از عوامل اجتماعی و محیطی قابل تغییر وجود دارد که خارج از شعاع نقص فیزیکی است و در مقوله معلولیت تأثیر می گذارد. چنانچه این عوامل به خوبی شناسایی شوند می توان اصلاحات فراوانی را جهت بهبود معلولیت و تعاملات اجتماعی انجام داد.





معلولیت عارضه ای طبیعی و اجتماعی است که در جوامع مختلف به صورتهای گوناگون دیده می‌شود. آمار نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از افراد هر جامعه را معلولین تشکیل می‌دهند. به طور مثال طبق آماري که از طرف سازمان بهداشت جهانی وابسته به سازمان ملل متحد در سال جدید منتشر شده است، ده درصد از مردم در جهان به نوعی معلول هستند، امروزه با پیشرفتهای زیادی که در علوم مختلف از جمله پزشکی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، تربیت بدنی و غیره به وجود آمده است، سعی می‌شود هرچه بیشتر به این گونه افراد کمک شود تا بتوانند به طور مستقل و بدون کمک دیگران و نیز بدون آنکه خود را سربار جامعه احساس کنند و یا منزوی باشند، به زندگی عادی خود بپردازند. تدابیری که به این منظور از طرف ارگانهای مختلف به عمل می‌آید بیشتر در زمینه فراهم آوردن امکاناتی از قبیل مسکن مناسب با وضع معلول، شغل مناسب، وسیله حمل و نقل (به طور مثال اتومبیلهای مخصوص برای معلولین قطع نخاعی)، وسایل آموزشی و کمک آموزشی مناسب، گذراندن اوقات فراغت و ... است.

Quantas curtidas  
merece esse Pai?



معلولان بزرگ ترین اقلیت غیر نژادی در جهان می باشند و تخمین زده می شود که 10 درصد جمعیت دنیا (حدود 65 میلیون نفر) حداقل با یکی از انواع معلولیت زندگی میکنند. معلولیت های جسمی بخشی از طیف وسیع معلولیتها هستند و به دسته هایی از ناتوانایی ها اطلاق می شوند که باعث می شود فرد نتواند به مدت حداقل 6 ماه از اندام خود و یا بخشی از آن به طور مؤثر استفاده نماید

## ما میتوانیم.



گذراندن اوقات فراغت با ورزشهای تفریحی به وسیله معلولین از اهمیت بیشتری حتی نسبت به افراد غیر معلول دارد زیرا متخصصان آشنا با خصوصیات معلولین و نیز متخصصان تربیت بدنی و ورزش معلولین معتقدند که اگر ورزش برای غیرمعلولین امری مستحب است، برای معلولین امری واجب می باشد. آنها معتقدند که اگر چه ورزش برای افراد غیر معلول بسیار نیکو و پسندیده است اما اگر هم به آن نپردازند از طریق فعالیت های روزانه تا حدودی نیازهای حرکتی خود را برطرف می کنند اما معلولین باید این نیازها را با انجام مرتب فعالیت های ورزشی برطرف نمایند.



# تعریف معلولیت

در طبقه بندی بین المللی ناتوانی کارکردی و سلامت،  
(International classification of functioning and health)

معلولیت به عنوان یک اصطلاح چتری برای آسیبها،  
محدودیت های کارکردی و مشارکتی مطرح شده  
است

. بنابراین تعریف عدم معلولیت و معلولیت بر اساس  
یک الگوی زیستی، روانی و اجتماعی تبیین میشود؛  
چرا که معلولیت نتیجه یک اختلال یا ناتوانی است  
که از انجام یک یا چند نقش طبیعی که مبتنی بر سن،  
جنس و سایر عوامل اجتماعی، و فرهنگی است،  
می کاهد یا جلوگیری می کند.





معلولیت ایجاد اختلال در رابطه بین خود و محیط است. به عبارت دیگر مجموعه ای از عوامل جسمی، ذهنی و یا ترکیبی از آنها را که به نحوی در زندگی شخص اثر سوء بر جای گذارد و مانع ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می گردد. معلولیت می گویند (حلم سرشت و دل پیشه، 1371، ص 17)



# تعریف معلول

معلول به فردی اطلاق می شود که ضایعه جسمی ، ذهنی یا توام ، ناشی از توارث یا محیط ، در سلامت و کارایی عمومی او به طور مستمر ، اختلال قابل توجهی به وجود آورد ، بطوری که این اختلال از استقلال وی در زمینه های فردی ، اجتماعی و اقتصادی کاسته است. ( صفوی ، 1386 ، ص 8 )



# علل معلولیت

معلولیت **اكتسابی**: در اثر تصادفات، حوادث یا بلاهای طبیعی، جنگ، آتش سوزی، مسمومیت ها و یا بیماری های مزمن و عوارض ناشی از آنها، فرد ممکن است دچار این معلولیت گردد.

معلولیت های مادرزادی

: علل معلولیت مادرزادی را به طور کلی به دو دسته تقسیم می کنند

عوامل دوران **بارداری**: نظیر عوامل ژنتیکی، سوء تغذیه مادر، سن بالای مادر، رعایت نکردن بهداشت دوران بارداری، اشعه، دارو، بیماری مادر، استعمال دخانیات.

عوامل **هنگام زایمان**: زایمان مشکل و طولانی، زایمان های غیربهداشتی، ضربات وارده به نوزاد هنگام تولد

# انواع معلولیت

- معلولیت های **جسمی** شامل موارد زیر است
- الف: معلولیت های **حواسی**: مانند نابینایی و ناشنوایی
- ب: معلولیت های **حرکتی**: شامل انواع نقص عضوها، ضایعات نخاعی و ناهنجاری های مربوط به اسکلت و عضلات؛
- ج: معلولیت **احشای داخلی** شامل ناهنجاری های قلبی - عروقی، تنفسی، کلیوی و غیره
- معلولیت **ذهنی** شامل موارد زیر است
- الف: عقب ماندگی ذهنی
- ب: بیماری روانی
- معلولیت **اجتماعی**



# گروه بندی معلولان جسمی



نمونه‌ای از ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت

- (1) نقص عضوها
- (2) ضایعات نخاعی
- (3) ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت
- (4) اختلالات بیولوژیکی و متابولیسمی
- (5) نابینایان
- (6) ناشنوایان
- (7) سالمندان

# انواع فلج و معلولیت های جسمی - حرکتی

A. فلج دو پا یا از کمر به پایین

B. فلج تمام بدن یا از گردن به پایین

C. فلج اتونومیک

D. همی پلژی



نمونه‌ای از اختلالات هنگام تولد



# طبقه بندی

معلولین جسمی - حرکتی در کشورهای مختلف به روش های گوناگونی طبقه بندی می شوند . در این میان ، طبقه بندی فلج مغزی از ثبات بیشتری برخوردار است . دو روش برای طبقه بندی فلج مغزی وجود دارد :

1. نوع ناتوانی حرکتی
2. تعداد اعضای درگیر در ناتوانی حرکتی





الف طبقه بندی نوع اول (قوام عضلات)

A. Spastic اسپاستیک

A. Athetoid آتتوید

B. Ataxic آتاکسی

C. Mixed مختلط

اسپاستیک

این نوع فلج مغزی بیشترین تعداد مبتلایان را دربر می گیرد. مهم ترین نشانه های مربوط به عصب شناسی در این نوع فلج مغزی، سفتی عضلات و عدم توانایی در شل کردن آن هاست. درجه معلولیت متغیر است و ممکن است فقط یک دست یا یک پا یا دست و پای یک سمت بدن و یا هر چهار اندام و یا اینکه کم و بیش کل بدن را درگیر سازد. حدود 75٪ از کودکان فلج مغزی حالت سفتی و اسپاسمی را به عنوان نشانه اصلی عصب شناسی بروز می دهند.

آتتوید

نشانه های اصلی عصب شناسی در این گروه، وجود حرکات غیر ارادی می باشد. که حرکات ارادی طبیعی مثل نوشتن، راه رفتن و صحبت کردن را تحت تاثیر قرار می دهد. در حدود 10٪ افراد دچار فلج مغزی مبتلا به آتتوید هستند.



نشانه های غالب در این گروه ناهماهنگی حرکات ارادی، گام برداشتن بی ثبات و عدم توانایی در کنترل کامل بدن میباشد. در حدود 5٪ از کودکان مبتلا به فلج مغزی این علائم را نشان می دهند. این حالت در مقایسه با حالات دیگر بسیار نادر است.

در بسیاری از کودکان خصوصیات بیش از یک نوع فلج مغزی دیده می شود مثلاً در بعضی از کودکان ٪ علائم فلج مغزی اسپاستیک و آنتوید تواماً دیده می شود که به اینها مختلط می گویند. در حدود 10 کودکان مبتلا به فلج مغزی جزو این گروه هستند.

# ب طبقه بندي نوع دوم (درگيري اندام ها)

1. - (Monoplegia) : مونو پلزي
2. - (Hemiplegia) : همي پلزي
3. - (Paraplegia) : پارا پلزي
4. - (Diplegia) : دي پلزي
5. - (Triplegia) : تري پلزي
6. - (Quadriplegia) : كوادري پلزي
7. - (Doublehemiplegia) : دابل همي پلزي



# نیاز های معلولان جسمی

(a) **نیاز های احساس شده** : منظور از نیاز های احساس شده ، انتظارات فرد معلول و خانواده های آن است.

(b) **نیاز های بیان شده** : این نیازها عبارت است از اقداماتی که فرد معلول و خانواده های آنها برای دریافت کمک انجام می دهند.

(c) **نیاز های ارزیابی شده** : نیازهایی است که توسط متخصصان تعیین می شود.

## راه‌های پیشگیری از معلولیت‌ها



**پرهیز از ازدواج‌های فامیلی، مراقبت‌های دوران بارداری، تغذیه صحیح مادر، اجتناب از باردار شدن در سنین بالای ۳۵ سال و زیر ۱۸ سال، مصرف نکردن دارو در هنگام بارداری، اجتناب از در معرض اشعه قرار گرفتن و انجام زایمان در شرایط کاملاً بهداشتی.**

برخورد خانواده با افراد معلول باید چگونه باشد؟ درک این نکته مهم است که اگرچه ممکن است فرد معلول با دیگران تفاوت داشته باشد ولی تکیه بر ناتوانی فرد، نه تنها کمکی به وی نمی‌کند بلکه بر مشکلات وی خواهد افزود. افراد معلول غالباً مشکلاتی دارند که مانع انجام برخی از فعالیت‌های آنها می‌شود یا احتمالاً آنها بعضی از کارها را به شکل دیگری انجام می‌دهند، اما اکثر افراد معلول نیز می‌توانند پس از آموزش لازم، بسیاری از فعالیت‌های عادی زندگی را با اندک تفاوت یا آهسته تراز دیگران انجام دهند.

**آنچه یک معلول نیاز دارد،**

**پذیرفتن و باور کردن توانایی‌های اوست نه غصه خوردن برای ناتوانی وی.**



## ویژگی های کودکان معلول جسمی - حرکتی


بطور کلی کودکان معلول جسمی حرکتی به دلیل مشکلاتی که در قوام عضلانی، اختلال بینایی، اختلال شنوایی، اختلالات تکلم، اشکالات ارتوپدی (وجود دفرمیتی)، ناهنجاری های دهانی و عدم تطابق دندانی، اشکالات درکی و عاطفی، اشکالات رفتاری، رفلکس های غیرطبیعی، الگوهای غلط و وضعیت بدنی غیر عادی، اختلالات حسی، ضعف در تصور بدنی دارند، موانعی را در امر آموزش تجربه می کنند که این موضوع به نحوی عزت نفس و اعتماد به خود و رفتارهای مناسب هیجانی و اجتماعی را در آنان کاهش می دهد. لذا معلمان باید با تکیه بر توانایی دانش آموزان، برنامه ریزی مدونی را در جهت به حداقل رسانیدن موانع طراحی نمایند تا بواسطه آن فرصت های لازم در جهت رشد توانایی های دانش آموزان فراهم سازند.

ناتوانی های جسمانی برنگرش خود فرد و دیگران مانند والدین، خواهران و برادران، همسالان، معلمان و... نسبت به بیمار تاثیر می گذارد. تاثیر ناتوانی در برخی از جنبه های اجتماعی، تحصیلی و روانی قابل ملاحظه است. برای مثال کودکان و نوجوانانی که مدت قابل توجهی را به علت استفاده از خدمات و مراقبت های پزشکی از خانه و مدرسه دور می مانند، فرصت کمتری برای ایجاد دوستی ها، حضور در رویدادهای اجتماعی و رشد مهارت های اجتماعی دارند. بی توجهی به مسائل روانی و رفتاری گاه مشکلات عدیده ای را برای آنان بوجود خواهد آورد که ناتوانی های حرکتی او را تحت الشعاع قرار می دهد. این مسائل جایگاه خاصی را در توان بخشی یک کودک معلول بخود اختصاص می دهد.

# ملاحظات آموزشی

با توجه به محدودیت‌ها و تفاوت‌های فردی افراد معلول جسمی حرکتی، تبیین هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی یکسان برای آن‌ها غالباً ممکن نیست، حتی در میان کودکانی که از میزان معلولیت یکسانی برخوردارند؛ هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی را باید براساس خصوصیات هوشی، جسمانی، حسی و عاطفی کودک پایه‌گذاری کرد. در اجرای برنامه‌های آموزشی و پرورشی این دانش‌آموزان، بخصوص آنان که مبتلا به معلولیت‌های شدید و مزمن هستند، ممکن است با دو مشکل مواجه شویم. اول اینکه کودک ممکن است از تجربه‌هایی که کودکان سالم در تحصیل برخوردارند، محروم شود. دوم آنکه کودک ممکن است نتواند مانند سایر دانش‌آموزان وسایل آموزشی را بکارگیرد و در برابر وظایف آموزشی از خود واکنش منفی نشان دهد. مبنای آموزش کودکان معلول جسمی حرکتی براساس تفاوت‌های فردی است. هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی آنان شبیه هدف‌ها و برنامه‌هایی است که برای کودکان عادی اجرا می‌شود مانند خواندن، نوشتن، حساب و تجربه‌هایی که به منظور آشنایی آنها با دنیای اطرافشان صورت می‌گیرد. علاوه بر این، برنامه‌هایی برای آموزش مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های شغلی نیز لازم است تا در مجموعه برنامه‌های آموزشی و پرورشی آنان گنجانده شود.





در آموزش و پرورش کودکان جسمی حرکتی، معلم باید به میزان بسیار زیادی آموزش را بر مبنای نیازهای خاص روانی و جسمی هر کودک بنیان نهد. لازم است تا یک طرح یا برنامه دراز مدت برای هر کودک براساس ارزیابی دقیق از او در زمینه های ارتباطی و توانایی ها، حالات عاطفی، ظرفیت ذهنی، اشکالات احتمالی یادگیری و مشخصات جسمانی تهیه و تنظیم شود.

کودکان این گروه مانند هر کودک دیگری نیاز دارند که در انجام تکالیف خود موفق شوند. اگر نیازهای آنان به طور مناسب ارزیابی و مورد توجه واقع نشود، در بسیاری از وظایف روزانه و تکالیف مدرسه احساس عدم کفایت می کنند، و این مسئله غالباً به اختلال هیجانی در یادگیری می انجامد و یا انجام موفقیت آمیز کارهایی که قبلاً در آن ها تسلط داشته اند را با شکست روبرو می سازد. لذا معلم باید به تلاش های کودک به شکل مثبتی پاسخ داده و ارتباط با کودک را بهبود بخشد بطوریکه آموزش را برای کودک امری لذت بخش، معنادار و هماهنگ با محیط اطراف او سازد، تا با تاکید بر نکات مثبت پیشرفت کودک، فرصتی پیش آید تا وی به توانایی های خود پی ببرد و در مراحل بعدی آموزش، بیشتر تلاش کند. به این منظور درک کامل توانایی ها و ناتوانی های کودک نه تنها در تعدیل واکنش ها موثرند، بلکه موجب تعدیل توقعات و انتظارات ما از فرد معلول و حتی از خودمان می شود



## نتایج چند تحقیق درباره معلولان

افراد دچار ناتوانی اکثراً بیکار ، از نظر اجتماعی منزوی ، فقیر ، کمتر تحصیل کرده ، دارای برچسب یا داغ اجتماعی و محروم اند و در جوامع مختلف با موانع ، تعصبات و جهت گیریهای متعدد جسمانی ، قانونی ، اقتصادی و روانی \_ اجتماعی مواجه هستند.

در واقع ناتوانی یا معلولیت نه فقط در جسم افراد معلول ، بلکه بیشتر در طرز فکرها و نگرشهای افراد مزبور و دیگر افراد جوامع مختلف وجود دارد (نوری، ۱۳۷۴).

این نگرشهای منفی و موانع روانی \_ اجتماعی ، سلامت روانی افراد مبتلا به ناتوانی را تحت تأثیر قرار می دهد و باعث می شود که آنها نسبت به سایر افراد ، عزت نفس و اعتماد به نفس پایین تری داشته باشند و در ارتباطات اجتماعی احساس راحتی نکنند یا در کل تعاملات اجتماعی کمتری داشته باشند .





معلولیت بحرانی است  
که هر کسی ممکن است  
در مسیر زندگی خود با  
آن روبرو شود و بر اثر آن  
در موقعیت‌های متفاوت از  
گذشته یا متمایز از دیگران  
قرار گیرد. ناتوانی جسمی  
دارای ابعاد جسمانی و روان‌شناختی است  
و همان‌طور که سلامت جسمی فرد  
را تحت تأثیر قرار می‌دهد،  
سازگاری روانی - اجتماعی و سلامت روانی او  
را نیز متأثر می‌سازد (نوری، ۱۳۷۴)  
فردی که به نوعی معلولیت جسمی مبتلاست  
، فقدان دردناک را تجربه می‌کند

که دارای اهمیت جسمانی و عاطفی زیادی است ( کروگر 1984 به نقل از نوری ،  
۱۳۷۴). موانع فیزیکی، امکان حرکت و مشارکت افراد ناتوان را در روند کلی  
فعالیت‌های بشری دشوار یا غیرممکن می‌سازد. اما حتی مهم‌تر از اینها موانعی است که  
در محیط‌های روانی - اجتماعی فرد وجود دارد ( برون، ۱۹۹۱).



تأثیری که معلولیت بر وضعیت  
اجتماعی - روانی فرد بر جای  
میگذارد غیر قابل انکار است؛  
چرا که معلولیت جدا از محدودیت ها  
یا مشکلاتی که از نظر کنشی  
در فرد معلول ایجاد میکند،  
ممکن است تأثیرات سوء روان شناختی  
بر شخصیت فرد معلول داشته باشد.  
نتایج پژوهشهای متعدد مطرح می کنند  
که افراد معلول با مشکلات و  
آسیب های متنوع و متعددی  
در روابط بین فردی، محیط های  
تحصیلی - شغلی و حوزه های هیجانی  
- رفتاری روبرو می شوند.





• نتایج تحقیق ترنر و بی سر (۱۹۹۰ ، به نقل از نوری ، ۱۳۷۴ ) نشان می دهد که افراد ناتوان نسبت به سایر افراد د ، میزان بیشتری از فشار روانی و افسردگی مزمن را تجربه می کنند. بوسکه، هیوز، سودیوند ، تیلر و سوآنک (۲۰۰۳) در تحقیقی دریافتند که زنان معلول نسبت به زنان غیرمعلول خودشناسی کمتر و عزت نفس پایین تری دارند و از لحاظ اجتماعی منزوی ترند. هینر، تامس و برون (۱۹۹۹) در تحقیقی پی بردند که دانشجویان معلولی که مشکلات روان شناختی دارند ، بیشتر از دیگر دانشجویان معلول در مورد نبود امنیت در روابط بین فردی فکر می کنند و بیشتر انتظار خصومت دارند . این تحقیقات اهمیت تلاش در جهت بهبود وضعیت روان شناختی معلولین و نیز لزوم توجه به عامل مهم تعاملات اجتماعی در راه رسیدن به این هدف را مشخص می کند. روابط اجتماعی می تواند تأثیر عمیقی بر نگرش فرد معلول نسبت به خود و فرصتهایی که برای سازگاری روانی ، تحصیلی و شغلی به دست می آورد، داشته باشند . (هالاهاان و کافمن ۱۹۹۴ ترجمه جوادیان ۱۳۸۱) ،

• مهارتهای اجتماعی نقش مهمی در عملکرد موفق افراد معلول در شغل و جامعه دارند، (ویهمان ۱۹۷۷ ، و کولارد ۱۹۸۱ به نقل از کارتلج و میلبورن ، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۶۹). کمکهایی که به افراد مزبور می شود، تا یکپارچگی اجتماعی و ارزش شخصی بیشتری داشته باشند ، در واقع میزان افسردگی آنها را کاهش می دهد (الیوت، هریک پتی و ویتی، ۱۹۹۱). این شیوه مناسبتی به نظر میرسد که تدابیر آموزشی خاص به منظور تسهیل تماسهای فعالانه و داوطلبانه هر دو گروه افراد ناتوان و دیگران تکامل یابد ، زیرا نه فقط افراد غیرمعلول بلکه خود افراد مبتلا به ناتوانی هم ممکن است از روابط متقابل و یکپارچگی اجتماعی امتناع کنند (نوری، ۱۳۷۴). در آموزش به جای شیوه اطلاعاتی و ترغیبی محض ، دیدگاههای عاطفی تر نظیر نقش بازی کردن توصیه شده است (کلور و جفری، ۱۹۷۲)

# منابع

- جعفری ، « طراحی مرکز توانبخشی معلولان جسمی » پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ، 1382
- جولایی ، م « طراحی مرکز رفاهی برای معلولان جسمی - حرکتی » پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ، 1382
- حلم سرشت. و دل پیشه « توانبخشی و بهداشت معلولان » تهران ، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی ، 1371
- سورنس . آر ، « معماری برای معلولان » ترجمه ف . حبیب و ر . فیاض ؛ چاپ اول ؛ تهران ؛ نشر دانشگاهی؛ 1370
- صفوی. ع غ « مرکز توانبخشی معلولان شهر کرد » ؛ پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ، 1382
- علوی. ا و رشید کابلی. م ؛ « اشتغال معلولان » ؛ چاپ اول ؛ تهران ؛ مرکز آموزش مدیریت دولتی ؛ 1373
- مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ؛ « طراحی فضاهای عمومی قابل دسترسی برای کم توانان جسمی » مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ؛ 1383
- مهندسین مشاور همگون ؛ « مطالعات مرکز جامع توانبخشی شهید مطهری اصفهان » ؛ 1385
- <http://www.wikipedia.org>
- <http://www.daneshju.ir>
- <http://www.iran-forum.ir>

و در ادامه...



## زردی نوزدان، زمینه معلولیت آنان

حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد نوزادان ایرانی در روزهای نخست پس از تولد دچار زردی می‌شوند که این زردی در نیمی از آنان بسیار پرخطر است.

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گزارشی اعلام کرد: در سال‌های گذشته میزان زردی در کودکان آسیایی از جمله ایران افزایش چشمگیری یافته است و این امر احتمالاً نتیجه نوعی جهش ژنی در مادران منطقه آسیاست.

بالا رفتن مقدار ماده‌ای به نام "بیلی روبین" که از تجزیه گلبول‌های قرمز خون حاصل می‌شود موجب زرد شدن رنگ ملتحمه چشم

و پوست در انسان است که این ماده در نوزادان به آسانی می‌تواند از سد مغزی خونی عبور و در مغز نوزاد رسوب کند.

رسوب بیلی روبین در مغز نوزاد موجب آسیب مغزی در کودک می‌شود که این عارضه در ماه‌های بعد با عقب ماندگی ذهنی، معلولیت‌های حرکتی و ناشنوایی کودک خود را نشان می‌دهد.

بیلی روبین زیادی در خون نوزاد با نور درمانی ویژه و در موارد شدید آن از طریق تعویض خون نوزاد، کم می‌شود و اگر درمان به موقع صورت گیرد از عوارض زردی نوزادان

پیشگیری می‌کند.

تشخیص پرخطر یا بی خطر بودن زردی نوزاد با توجه به وزن و زمان تولد نوزاد، بر عهده پزشک کودکان است.

بر اساس این گزارش احتمال زردی نوزاد در مادرانی که گروه خونی منفی دارند، مادرانی که گروه خونی O دارند، والدینی که سابقه تولد نوزاد زردی گرفته در خانواده آنها وجود دارد و همچنین نوزادان نارس و کم وزن بیشتر است و همه والدین به ویژه این گروه‌ها باید در روزها و هفته‌های نخست پس از تولد نوزاد متوجه زردی در نوزاد باشند.







Mehrkhane.com

Photo: Reza Dehshiri



دکتران سلامت معلومی

بیماران دیابتی باید از خود( به خصوص پاهایشان) بسیار مراقب کنند، چون این عضو در معرض ضربه و آسیب قرار دارد. آنها باید روزی چند بار با آب و صابون پای خود را بشویند و حتما خشک کنند و پوست پای خود را از نظر وجود زخم سطحی یا عمیق دائم بررسی کنند، چون زخم افراد مبتلا به دیابت، به سختی درمان می شود و می تواند عمیق شده و سبب از بین رفتن بافتها شود؛ این بافت مرده کانونی عفونی تشکیل می دهد که برای بدن فرد خطرناک است و در مواردی به قطع عضو وی منجر خواهد شد. با هر گونه آسیب به پا، درمان جدی ضروری است تا حتی المقدور مانع پیشرفت بیماری و قطع عضو شود.



○ آیا دیابت می تواند معلولیت ایجاد کند؟

زمانی که قند خون بالا می رود، بعضی از سلولها این قند اضافه را جذب می کنند، بدون اینکه امکان سوزاندن و مصرف کردن آن را داشته باشند. وقتی قند مصرف نشود



# صرع معلولیت نیست

## خروج صرع از چرخه حمایتی بهزیستی

[www.behzist.ir](http://www.behzist.ir)

معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور با تأکید بر اینکه صرع به هیچ عنوان معلولیت محسوب نمی‌شود، گفت: از این پس بیماران مبتلا به صرع تحت پوشش بهزیستی قرار نمی‌گیرند.

یحیی سخنگویی اظهار داشت: واقعیت این است که برخی از بیماریها نباید جزء معلولیتها محسوب شود و اگر این اتفاق محقق شود به آن فرد بیمار و به جامعه معلولان، اجحاف می‌شود.

وی تصریح کرد: اگر فردی دچار معلولیت، سکته مغزی و یا فلج مغزی باشد و از بیماری صرع رنج ببرد آن فرد تحت پوشش بهزیستی قرار می‌گیرد ولی اگر تنها بیماری صرع داشته باشد نمی‌تواند تحت پوشش سازمان قرار گیرد.

سخنگویی خاطرنشان کرد:

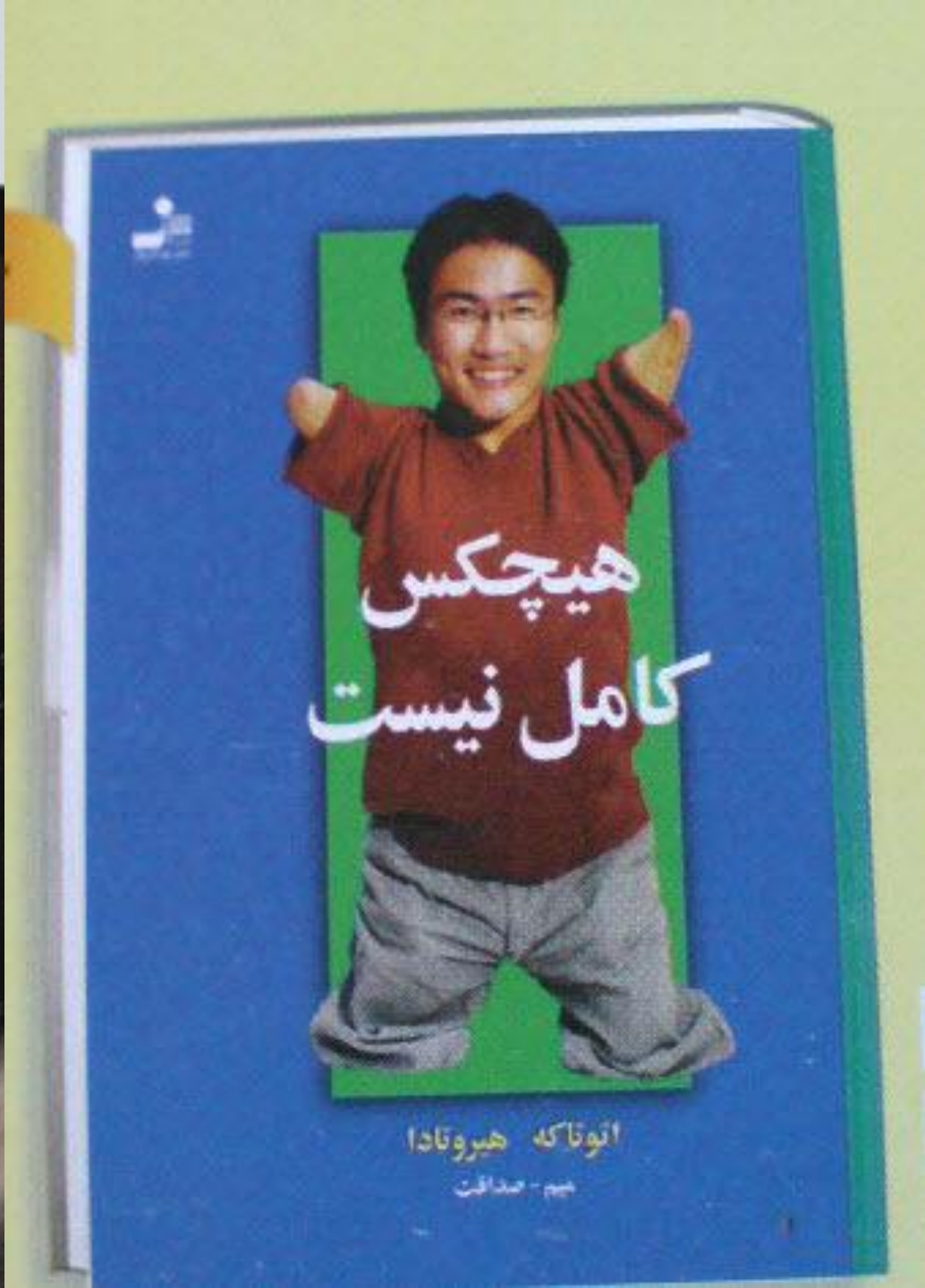


سازمان بهزیستی کشور به تمامی استانهای کشور دستورالعملی را درخصوص حذف حمایت سازمان بهزیستی از بیماران مبتلا به صرع ابلاغ کرده است و مراکز موظفند این دستورالعمل را اجرایی کنند.

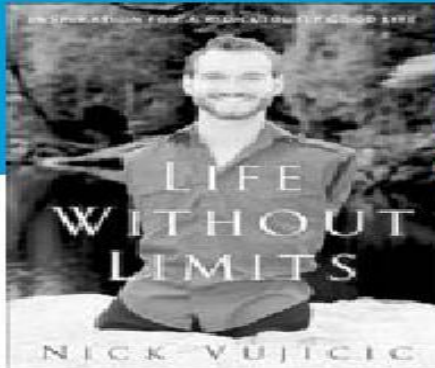
معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور خاطرنشان کرد: بیماران مبتلا به صرع که از قبل تحت پوشش بهزیستی قرار داشتند، همچنان تحت حمایت این سازمان قرار می‌گیرند و از چرخه حمایتی خارج نخواهند شد.

وی از برنامه‌های معاونت توانبخشی ویژه معلولان در سال جاری خبر داد و افزود: افزایش مراکز توانبخشی وعده‌ای بود که سازمان از ابتدای سال داده بود که این امر در سه ماه گذشته عملیاتی شده است.

سخنگویی بیان داشت: ارائه تسهیلات رایگان تحصیلی، بخش دیگری از برنامه‌های بهزیستی است که در حال حاضر هزینه تحصیلی دانشجویان و دانش‌آموزان تحت پوشش را پرداخت می‌کند.







امروز اینجا هستیم تا به شما بگویم خدا خیلی دوستتان دارد و اگر شما به سمت او بروید اتفاقاتی در زندگیتان می‌افتد که شما را به یقین می‌رساند.

بخشی از سخنان نیک وویچیچ

## بی دست و پا، اما بدون محدودیت

نویسنده : حسین پیغمبری  
منبع : یک دوست ذات کام

قانون ممنوعیت ورود افراد معلول حرکتی به مدارس معمولی، مانند دیگر کودکان سالم به ادامه تحصیل پرداخت.

اما در سن ۸ سالگی به دلیل تمسخرهای شدید همکلاسی‌هایش دچار افسردگی شد و اقدام به خودکشی کرد. این هیجان احساسی باعث شد تا تصمیم بگیرد خود را در آب غرق کند اما خودش می‌گوید به دلیل علاقه به پدر و مادرش از این کار منصرف شد.

او با تلاش بسیار زیاد و به کمک مادرش پساد گرفت با دو انگشتی که در انتهای اندامی مانند پا در سمت چپ پائین تنه‌اش وجود دارد، بنویسد. همچنین کارهای روزانه دیگری مانند نوشیدن آب یا لیوان، تایپ، پرتاب توپ بیس بال و ... را آموخت. در دبیرستان به عنوان رهبر گروه برای موسسه خیریه اعانه جمع می‌کرد و در سن ۱۷ سالگی موسسه خود با عنوان زندگی بدون دست و پا را به منظور امید دادن به افراد افسرده و ناتوان تاسیس کرد.

نیک وویچیچ جوان در سن ۲۱ سالگی از دانشگاه گریفیت با دو مدرک لیسانس در رشته‌های حسابداری و برنامه‌ریزی مالی فارغ التحصیل گردید.

او با ادامه فعالیت‌های خود در نهایت تبدیل به شخصی شد که سخنرانی‌هایش برای میلیون‌ها شنونده در سراسر جهان امید به زندگی و انگیزه به ارمغان می‌آورد. از دیگر مهارت‌های او شنا، موج سواری و بازی گلف است.

برای یک لحظه چشمانتان را ببندید و فکر کنید هیچ دستی ندارید. نمی‌توانید چیزی را با انگشتانتان لمس کنید یا با دوستانتان دست دوستی بدهید و یا حتی مادرتان را در آغوش بگیرید. حال تصور کنید هیچ پایی برای راه رفتن ندارید. نمی‌توانید با دوستانتان پیاده روی کنید. دوچرخه سواری کنید یا پا به پای فرزندتان بدوید. هر کدام از این شرایط بسیار دشوارند. اما همیشه شرایط بدتری هم وجود دارد، فقط کافیست یک لحظه به این فکر کنید که نه دست دارید و نه پا! حتی فکر کردن به این موضوع تن آدم را به لرزه می‌اندازد.

نیک وویچیچ از معدود افرادی است که به دلیل سندروم ترنرآمیلیا بدون دست و پا دنیا آمد و در زندگی محدودیت‌های زیادی داشته است، اما توانسته با این محدودیت‌ها کنار بیاید و حتی از افراد سالم نیز موفق تر باشد.

نیک در سال ۱۹۸۲ در استرالیا به دنیا آمد. در آن زمان دلیل نبود امکانات تصویربرداری از جنین هیچکس از وضعیت نیک خبر نداشت. می‌توانید شوک بزرگی که پدر و مادر نیک در هنگام تولد او داشته‌اند را تصور کنید. اما کسی حتی نمی‌توانست تصور کند که این کودک زیبایی معلول با این همه ناتوانی روزی به یکی از موفق‌ترین افراد جهان تبدیل شود و بتواند به جایی برسد که به افراد سالم درس امید و روش زندگی آموزش دهد.

او از اولین افرادی بود که پس از حذف

مشاهیر دارای معلولیت



# زندگی شگفت انگیز الهام بخش

در زندگی به سمت مستقیم و راست پیش برو ... همیشه و در هر راهی.  
من نیک ژوویسک هستم . گواه خداوند هستم برای لمس هزاران قلب در دنیا بدون  
هیچ دست و پای متولد شدم در حالی که پزشکان هیچ تجربه پزشکی برای این "  
نقص مادرزادی " نداشتند،



همانطور که تصور می کنید با موانع و چالشهای بسیاری روبه رو بوده ام.

" هر زمان با ناملايمات متعدد روبه رو می شوید ، با مسرت رفتار کنید " ( آیه ای در انجیل )

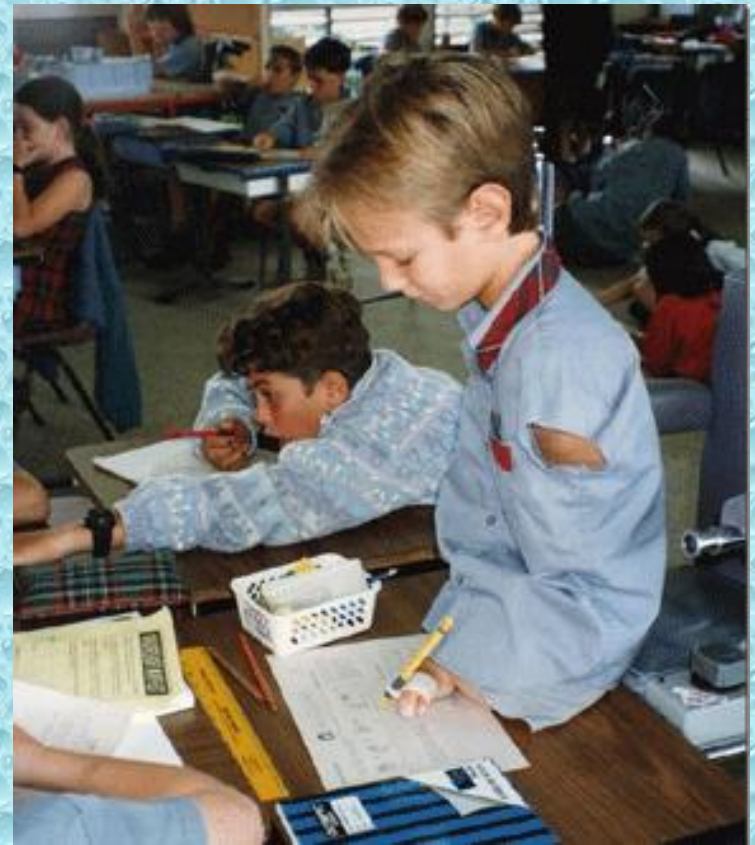
در شمارش دردها و سختي هايم آیا جايي براي شادي و مسرت می ماند ؟ زماني که پدر و مادرم مسيحي بودند و پدرم کشيش کلیسایمان ، آنها این آیه را خوب می شناختند . اگر چه ، در یک روز صبح 4 دسامبر

1982 در ملبورن ( استرالیا ) " پروردگارا تو را سپاس " تنها کلماتي بود که می توان از آنها شنید .

اولین فرزند آنها پسري بدون دست و پا متولد شد ! هیچ هشداري که آمادگی آنها را در برداشته باشد وجود

نداشت . پزشکان از اینکه هیچ پاسخي براي آن نداشتند در حيرت بودند!! هنوز هیچ دليل پزشکی دال بر

چرايي این اتفاق وجود ندارد و نیک در حال حاضر برادر و خواهری دارد که مانند هر نوزاد معمولی دیگری بدنیا آمدند .



تمام عالم مسیحیت از تولد من افسوس می خوردند و والدینم که بسیار گیج و مبهوت از من بودند. هر کسی می پرسید " اگر خداوند ، خدای عشق است " ، پس چرا خدا می بایستی اجازه دهد چنین اتفاق بدی نه برای هر کس دیگر ، بلکه برای مسیحیان ایثار گر افتد ؟ پدرم تصور می کرد من برای سالیان طولانی زنده نخواهم ماند ، ولی آزمایشها نشان می داد که من یک نوزاد کاملاً سالم هستم تنها با نقص عضو دست و پا. همانطور که قابل فهم است ، والدین من نگرانی عمیق و ترس آشکاری داشته اند ، از آن نوع زندگی که من به دنبال خواهم داشت. خداوند به آنها استقامت ، دانش ، و شجاعت عطا کرده بود، در سالهای اول زندگی و سالهای بعد وقتی که آنقدر بزرگ شدم که بتوانم به مدرسه بروم .



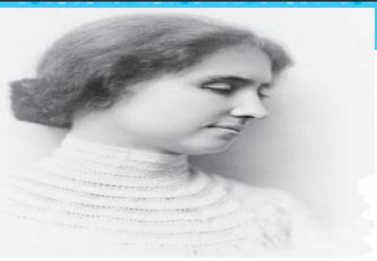
قانون استرالیا به دلیل معلولیت جسمانی ، اجازه رفتن به مدرسه عمومی را نمی داد. خداوند معجزه ای کرد و قدرتی به مادرم تا در برابر آن قانون مبارزه کند و سرانجام آن را تغییر دهد . من یکی از اولین دانش آموز معلولی بودم که در آن مدرسه به تحصیل پرداختم. رفتن به مدرسه را دوست داشتم و تمام تلاشم این بود که که مانند هر فرد عادی زندگی کنم ، ولی این مربوط به سالهای اولیه مدرسه بود تا زمانی که به دلیل تفاوت فیزیکی با احساس طرد شدگی و غیر - طبیعی بودن مواجه نشده بودم . عادت به آن شرایط بسیار برایم مشکل بود ، ولی با حمایت والدینم ، شروع به رشد نگرشها و ارزشهایم کردم که برای روبه رو شدن با موقعیتهای چالش بردار بسیار مفید بود.



من بر این مسئله واقف بودم که تفاوت دارم ولیکن از سوي ديگر من شبیه هر فرد ديگر بودم . بارها اتفاق افتاد که من احساس حقارت داشتم به طوري که نمی توانستم به مدرسه بروم ، فقط به این دلیل که نمی توانستم به توجه هاي منفي آنها روبه رو شوم . با کمک والدينم تلاش مي کردم آنها را نادیده تصور کنم و بتوانم بيديگريانم بودم .  
به محض اینکه دانش آموزان متوجه مي شدند من هم دقیقاً مثل آنها هستم موهبت الهي شامل حال مي شد و با آنها دوست مي شدم . بارها شده که من احساس افسردگي و عصبانیت داشتم ، چرا که من نمی توانستم راهي را که در آن قرار داشتم تغيير دهم، و يا هر کسي را به خاطر آن سرزنش مي کردم . من به مدرسه يکشنبه ( براي آموزش ) مي رفتم .  
آموختم که خدا ما را بسيار دوست دارد و مراقب ماست . فهميدم که بچه ها را بسيار دوست دارد . ولي اين را نفهميدم که خدا اگر مرا دوست دارد چرا مرا اينگونه آفريد ؟ آيا دليلش آن بود که از من اشتباهي سر زده است؟

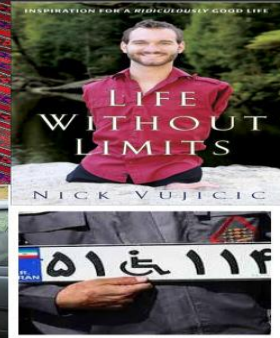
اندیشيدم که بایستی این گونه باشم زیرا در مدرسه ، من تنها فرد غير طبيعي بودم . سرباري بودم براي همه افراي که در کنارشان بودم . سر انجام بایستی مي رفتم این بهترین کاري بود که بايد انجام مي دادم . مي خواستم به همه دردهايم و به زندگي ام در سن جواني پايان دهم . اما دوباره شکر گزار والدين و خانواده ام هستم که همیشه براي آرامش من بوده اند و به من شجاعت داده اند .  
خداوند شرح مصیبت هاي عیسی را در زندگي من نهاد تا از آن تجربيات براي ارشاد ديگران استفاده کنم براي آنکه بر مشکلات فائق آیند و همواره شکرگزار خدا باشند . نیروي خداوند الهام بخش زندگي شان باشد و اجازه ندهند هيچ مسئله اي بر سر برآورده شدن آرزو ها و رؤياهايشان قرار گیرد .  
و همه ما بر این امر واقفيم که خداوند بهترین ها را انجام ميدهد براي کسانی که او را دوست دارند . این ایه با قلب من صحبت مي کند و مرا به این نقطه مي رساند که من مي دانم اتفاق هاي بد در برابر خوشبختي ، شانس يا توافق هيچ است . من به نهايت آرامش رسيدم، همينکه آگاه شدم از اینکه خداوند اجازه نخواهد داد ، هيچ چيزي اتفاق افتد در زندگي من مگر اینکه او هدف خوبي در آن قرار داده باشد در سن 15 سالگي زندگيم را کاملاً وقف کليسا کردم بعد از اين که در انجيل خواندم عیسی فرمود: دليل آنکه فرد نابینايي به دنيا مي آید آن است که "خداوند از طريق آنها قدرتش را اشکار مي کند " من به راستي اعتقاد دارم خداوند به من سلامتي خواهد بخشيد ، چه بسا که من بتوانم گواه عظيم او باشم از قدرت بهت انگيز او .  
بعدها بنا بر درايتم متوجه شدم که اگر ما براي خواسته اي به درگاه خداوند دعا کنيم، اگر او بخواهد اجابت خواهد شد . و اگر او نخواهد که اجابت شود ، مطمئناً امر بهتري در آن بوده است . مي دانم شگرفي خدا در اين است که مرا به کار گيرد فقط در اين هیأت و نه در شکل ديگر .  
در حال حاضر 21 ساله هستم . کارشناس بازرگاني در رشته حسابداري و برنامه ريزي امور مالي . یک سخنور قابل هستم و امید آن دارم که به خارج بروم و داستانم را براي ديگران تعريف کنم . مباحثم را به سمت تشويق دانش آموزان و جوانان امروزي سوق دهم . همچنين در گروه هاي جمعي سخنراني مي کنم . من شرح حال مصیبت هاي عیسی هستم براي جوانان .  
و خودم را براي مشیت الهي و آنچه که او مي خواهد و آنچه که به او منجر مي شود قرار داده ام . رؤيا ها و اهدافي که در سر دارم را دنبال مي کنم . مي خواهم بهترین گواه عشق و امید خداوند باشم . و یک سخنور الهام بخش در خدمت مسيحيان و غير مسيحيان .  
در صدد هستم که در سن 25 سالگي به استقلال مالي برسم و با سرمايه گذاری هاي جدي به توليد ماشيني بپردازم که بتوانم با آن رانندگي کنم . نوشتن چندین کتاب پر فروش از ديگر رؤيا هاي من است و امیدوارم در پايان امسال اولين نوشته ام را با عنوان " بدون دست ، بدون پا ، بدون دل " به اتم برسانم .



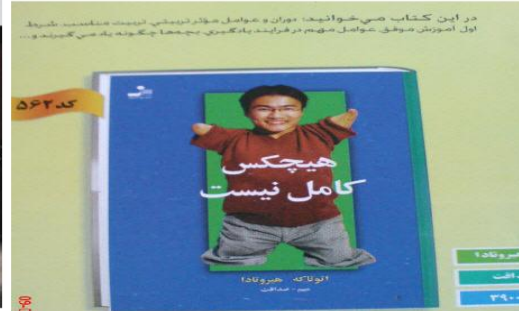


آدامز كلر، هلن (۱۸۸۰ - ۱۹۶۸ م.)  
 نویسنده  
 نابینا و ناشنوا

معلولیت، مشکل جمعی است!  
 ۱۲ آذر روز جهانی معلولین



Quantas curtidas merece esse Pai?



در هر شرایطی باشیم ، مسیر موفقیت باز است.

محمد نظری گندشمین





Let your smile  
change the world.  
Not the world  
change your smile.

Thank  
You

